



جمعه و یکشنبه؛ یا هفته‌داری در ایران

دکتر علی نقی منزوی

مجله کاوه، مونیخ، شماره ردیف ۶۳، سال چهاردهم، فروردین ۲۵۳۵، ربیع یکم ۱۳۹۶،

مارس ۱۹۷۶م، برگه ۶ - ۱۰

به کوشش

محمد ابراهیم ذاکر

- ۱.....جمعه و یکشنبه؛ یا هفته‌داری در ایران.....
- ۱.....هفته‌داری.....
- ۲.....پیدایش هفته.....
- ۲.....نام ساعت‌های بیست و چهارگانه و روزهای هفته.....
- ۶.....هفته تفرشی و ستاره‌نامی ساعت‌ها و روزهایش.....
- ۷.....تعطیل هفتگی.....
- ۸.....تعطیل یکشنبه هیچ ارتباطی با مسیحیان ندارد.....
- ۹.....تعطیل جمعه نیز هیچ ربطی به اسلام ندارد.....
- ۱۳.....کتاب‌نامه.....
- ۱۳.....نمایه کتاب و مقاله.....

جمعه و یک‌شنبه؛ یا هفته‌داری در ایران

جمعه و یک‌شنبه؛ یا هفته‌داری در ایران

دکتر علی‌نقی منزوی

مجله کاوه، مونیخ، شماره ردیف ۶۳، سال چهاردهم، فروردین ۲۵۳۵، ربیع یکم ۱۳۹۶، مارس ۱۹۷۶م،

برگه ۶ - ۱۰

هفته‌داری

دوست گرامی آقای عاصمی پس از سلام گرم. در مقاله شما اندیشه آینده که در شماره ۵۶ - ۵۵ کاوه چاپ شده است^۱، پرسش زیر نظر مرا جلب کرد: اگر تعطیل جمعه براساس شعایر مذهبی است، همسایه ما نیز مسلمان است، ولی تعطیلات آخر هفته‌اش یک‌شنبه است؟ این عبارت مرا ناچار کرد چند کلمه در پاسخ آن بنویسم.

شک نیست که روز جمعه نزد ما مسلمانان شیعه و سنی روزی مقدس و گرامی است و روز دعا و عبادت است، چنان که بعداً خواهیم دید، دور نیست که در اواخر عهد ساسانی در ایران به عنوان روز آناهیتا خدای عشق روز جشن و آدینه شناخته شده و از آن جا به حجاز سرایت کرده باشد و تازیان برای مبارزه با «سبت» یهودیان از آن استفاده کرده باشند و «یوم الزینة»^۲

^۱ مجله کاوه، مونیخ، شماره ردیف ۵۵ و ۵۶، بهار و تابستان ۱۳۵۴، ۱۹۷۵، ۱۳۹۵ق، برگه ۲-۳، اندیشه‌های آینده، محمد عاصمی.

^۲ Z: قرآن، سوره طه، شماره ۲۰، آیت ۵۹: قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ ضُحًى / گفت موعد شما روز جشن باشد که مردم پیش از ظهر گرد می‌آیند.

و «جمعه»^۱ اش نامیدند؛ لیکن بالاخره بزرگداشت مذهبی روز، چیزی است و تعطیل آن روز که یک مسأله اقتصادی است، مسأله‌ای دیگر است و این دو هیچ ربطی با هم ندارند. توضیح این مطلب نیز نیاز به مقدمه‌ای دارد.

پیدایش هفته

کهن‌ترین بخش‌بندی روزها در تاریخ اروپای قدیم صورت ده‌دهی داشته و تقسیم‌هفتگی آن در هزاره دوم پیش از میلاد در بین‌النهرین متداول گردیده، سپس ایرانیان و یهود و مصریان از مردم آن جا برگرفته‌اند.

بخش‌بندی هفتگی پس از آگاهی بشر از ستارگان سیار هفتگانه رخ داده است و لذا نام آن هفت ستاره را بر روزهای هفته نهاده‌اند، ولی چنان که از گفته بیرونی خواهیم آورد، نخست ساعت‌های بیست و چهارگانه شبانه‌روز به نام سیاره‌های هفتگانه خوانده شده، سپس هر روز از هفته به نام ستاره هم‌نام نخستین ساعت آن روز نامیده شده است.

کسروی می‌گوید: بنیاد هفته‌داری از هر کس بوده، نشر آن در جهان با دست جهودان و ترسایان روی داد و در ایران قرن‌ها پیش از اسلام به دست آنان رواج یافت^۲؛ لیکن این سخن چندان درست نیست؛ زیرا که از دو گونه هفته‌داری که هم اکنون در جهان متداول می‌باشد، هفته ستاره‌ای که از هند است، هم از کهن‌ترین و هم رایج‌ترین هفته شمارشی است که ریشه یهود دارد.

نام ساعت‌های بیست و چهارگانه و روزهای هفته

بیرونی (د: ۴۴۰ ق / ۱۰۴۸ م) گوید: هندیان نام روزهای هفته را از هفت ستاره سیار گرفته‌اند. هم‌چنان که فارس‌ها شماره روزها را بر «شنبه» می‌افزایند، هندیان نام یکی از هفت ستاره را بر پسوند «بار» می‌افزایند: پس یک‌شنبه را «ادیت‌بار»

^۱ Z: قرآن، سوره الجمعة، شماره ۶۲، آیت ۹: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ / ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون برای نماز جمعه ندا در داده شد به سوی ذکر خدا بشتابید و داد و ستد را واگذارید اگر بدانید این برای شما بهتر است.

^۲ مجله پیمان، سال یکم، شماره ۱۰-۱۱، فروردین ۱۳۱۳، تجدید چاپ ذکای ۱۳۵۲خ، کاروند کسروی، برگه ۴۶۰.

جمعه و یک‌شنبه؛ یا هفته‌داری در ایران

۳

گویند، یعنی روز مهر (خورشید) که در فلک چهارم از افلاک هفتگانه بطلمیوسی قرار گرفته است و دوشنبه را «سوم‌بار»، یعنی روز ماه (در فلک اول) و سه‌شنبه را «منگل‌بار»، یعنی روز بهرام، مریخ، Mars (فلک پنجم) و چهارشنبه را «بدبار»، یعنی روز تیر، عطارد، Mercury (فلک دوم) و پنجشنبه را «پرهسپت‌بار»، یعنی روز برجیس، مشتری، Jupiter (فلک ششم) و آدینه را «شکربار»، یعنی روز ناهید، زهره، Venus (فلک ۳) و شنبه را «شنیشچربار»، یعنی روز کیوان، زحل، Saturn (فلک هفتم) نامند.

بیرونی سبب این ناهماهنگی ترتیب روزهای هفته را با ترتیب افلاک هفتگانه، چنین روشن کرده گوید. هندیان خورشید را که در (فلک چهارم) است خدای روز اول هفته که یک‌شنبه است و خدای نخستین ساعت آن روز می‌شمارند و سه ساعت پس از آن هر یک را به ترتیب به نام یکی از ستارگان زیر فلک خورشید می‌نامند؛ بنابراین، ساعت دوم را ناهید (فلک سوم) و سوم را تیر (فلک دوم) و چهارم را ماه (فلک یکم) می‌خوانند و چون پایین‌تر از ماه ستاره‌ای نیست ناچار دوباره به بالا بازگشته ساعت پنجم را کیوان (فلک هفتم) و ساعت ششم را برجیس (فلک ششم) و ساعت هفتم را بهرام (فلک پنجم) می‌نامند و از ساعت هشت تا چهارده را ایشان دوباره به همان نام‌های (خورشید ... بهرام) می‌نامند.

هندیان این دوره‌های هفت‌ساعتی را هم‌چنان تکرار کردند؛ بنابراین، ساعت ۲۵ روز مهر (یک‌شنبه) که همان نخستین ساعت روز بعد از آن (روز دوشنبه) است، ساعت «ماه» نام گرفت، پس روز دوم هفته نیز به پیروی از نام اولین ساعتش، برخلاف ترتیب افلاک بطلمیوسی، ناگزیر روز ماه نامیده شد و چون بیست و پنجمین ساعت پس از آن که نخستین ساعت روز سوم هفته باشد، ساعت بهرام است، ناگزیر روز سوم خوانده شد و هم‌چنان تا پایان هفته پیش رفتند^۱.

هم‌چنین بیرونی گوید: ارزش روزهای هفته نزد هندیان متفاوت است، چنان که یک‌شنبه نزد ایشان به سبب وابستگی به مهر و این که آغاز هفته است، محترم می‌باشد.

دکتر علی‌نقی میسرزوی

^۱ نک: ماللهند من مقولة، بیرونی، چ هند، ۱۹۵۸، برگه ۱۷۱.

جمعه و یک‌شنبه؛ یا هفته‌داری در ایران

۴

مسعود سعد سلمان (د: ۵۱۵ ق / ۱۱۲۱ م) در منظومه‌ای که در آن روزهای هفته ستاره‌ای هندی را با هفته شماره‌ای سامی تطبیق کرده، هفته را از یک‌شنبه آغاز نموده است.^۱

ملل و نحل شناسانی چون ابوالمعالی و شهرستانی (د: ۵۴۸ ق / ۱۱۵۳ م) گویند: اصحاب روحانیات در هر روز برای ستاره‌ای که آن روز هفته بدان نام خوانده می‌شود نماز می‌گزارند چنان که شنبه زحل را^۲.

می‌دانیم که مقصود شهرستانی از اصحاب روحانیات، دارندگان اندیشه‌های گنوستیک هندوایرانی است. اندیشه‌ای که به وسیله متیرائیست‌ها به زردشتیان و صابئیان و حتی به برخی از مسیحیان صوفی سرایت کرده بود.

سنت‌گرایی دولت، در دوره دوم صفوی، روزبه‌روز محیط را بر این میراث ملی ایران تنگ‌تر می‌کرد، برای نمونه، فیض کاشانی (د: ۱۰۹۱ ق / ۱۶۸۰ م) را می‌بینیم که نام ستاره‌های هفته را در تقویم المحسنین، برگه ۳۵ و نام فارسی سی روز ماه را در رساله نوروز و سی روز درست همانند بندهش و در خرده اوستا، برگه ۱۹۶ - ۲۰۱ و التفهیم فارسی بیرونی، برگه ۲۳۴ و عربی و انگلیسی، برگه ۱۷۰ آورده و همه را هم با احترام از امام صادق نقل می‌کند، اما مجلسی (د: ۱۱۱۰ ق / ۱۶۹۸ م) در باب سماء و عالم از کتاب بحار الانوار (ج. امین‌الضرب، ج ۱۴، ۱۰۶؛ و ج. نوین اسلامیه، ج ۵۹، ص ۲۸ - ۲۹)^۳ نام ستاره‌های

^۱ نک: دیوان مسعود سعد سلمان (د: ۵۱۵ ق / ۱۱۲۱ م)، تصحیح رشید یاسمی، تهران ۱۳۱۸ خ، برگه ۶۶۸.

زحل والی شنبه است ای نگار --- مرا این چنین روز بی می مـسـدار
یکشنبه است و دارد نسبت به آفتاب --- بر روی آفتاب به من ده شراب ناب
دوشنبه که دارد مزاج ماه ای ماه --- چو ماه مجلس بفروز و جام باده بخواه
سه شنبه به مریخ دارد نسب --- چرا باده ندهی مرا ای عجب
چهارشنبه بتا نوبت عطارد راست --- نشاط باید کرد و نبید باید خواست
باشد ابروی و موی و خوی تو خوب --- پنجشنبه به مشتری مـسـنوب
آدینه مـسـزاج زهره دارد --- چون آمد لـهـو و شادی آرد

^۲ بیان الادیان، ابوالمعالی محمد فرزند نعمت فرزند عبیدالله (تألیف: ۴۸۵ ق / ۱۰۹۲ م)، به کوشش عباس اقبال، تهران، ۱۳۱۲ خ، برگه ۲۱؛ و ملل و نحل، شهرستانی (د: ۵۴۸ ق / ۱۱۵۳ م)، ترجمه صدر ترکه اصفهانی، برگه ۲۴۰.

^۳ بحار الانوار، ملا محمد باقر مجلسی (د: ۱۱۱۰ ق / ۱۶۹۸)، ج. امین‌الضرب، ج ۱۴، ۱۰۶؛ و ج. نوین اسلامیه، ج ۵۹، ص ۲۸ - ۲۹.

جمعه و یک‌شنبه؛ یا هفته‌داری در ایران

۵

هفته را و در برگه ۵۶ - ۹۰ نام‌های فارسی سی روز ماه را به نقل از امام صادق، و در برگه ۱۰۹ به بعد نام‌های فارسی دوازده ماه خورشیدی را از کتاب *علل الشرایع* تألیف ابن بابویه (د: ۳۸۱ ق / ۹۹۱ م) به نقل از امام رضا آورده است، اما سنی‌مآبانه در صحت نسبت آن‌ها بدان دو امام تردید روا داشته است.

از این تاریخ به بعد کم‌کم هفته‌داری ستاره‌ای در ایران به درون کتاب‌های منجمان خزید و بر صفحه دفترچه‌های گاه‌شماری (تقویم‌های به قطع خشتی) منحصر گشت (برای آمار این دفترچه ذریعه، ج ۴، ۳۹۶ - ۴۰۳؛ و ج ۷، ۶۶ - ۶۷؛ و ج ۸، ۲۱۱ - ۲۲۵ دیده می‌شود)، اما در هند وضع دگرگونه بود، گروهی از دانشمندان شیعه که از سنت‌گرایی دولت ایران گریخته و از کشتار مکتب‌های فلسفی قزوین به دست شاه عباس در (۱۰۰۲ ق / ۱۵۹۳ م) جان به سلامت بدر برده بودند، به گرد اکبرشاه فراهم آمدند و به سرپرستی فتح‌الله دانشمند شیرازی (د: ۹۹۷ ق) تاریخ الهی را بنیان نهادند که در آن نام‌های روز هفته و ماه و سال خورشیدی فارسی گشته و همه جشن‌های ایرانی با پشتیبانی حدیث‌های شیعی زنده بود، اما متأسفانه این نیز دیری نپایید و بیماری سنت‌گرایی، آن‌جا را نیز درهم ریخت و چندین تن از دانشمندان شیعی، مانند قاضی نورالله شوشتری را به کشتن داد (ک: ۱۰۱۹ ق / ۱۶۱۰ م).

جالب توجه است که این گونه نام‌گذاری روزهای هفته با همه فشارهای یاد شده هنوز هم در بسیاری از دهات ایران رایج است. من با مراجعه به مرکز فرهنگ مردم وابسته به تلویزیون و مدیر محترم آقای اینجوی شیرازی گزارشی را که به نام فتح‌الله رضائی از کشاورزان تفرش در آرشیو آن‌جا محفوظ است، بررسی نمودم، بنا بر آن گزارش، مردم ساده آن سامان هنوز هم بیست و چهار ساعت شبانه‌روز را با نام همان هفت ستاره سیار که بیرونی یاد کرده و با همان ترتیب قدیم نگاه داشته‌اند و با این که مردم سنی‌زده‌اند و هفته را به جای یکشنبه از شنبه آغاز می‌کنند، باز آن روز را به عادت عهد ساسانی، مانند هندیان از آن کیوان (زحل) می‌شمرند؛ زیرا که نخستین ساعت شنبه ساعت کیوان است و روز یکشنبه را متعلق به مهر می‌دانند؛ زیرا که نخستین ساعت آن روز مهر نام دارد و دوشنبه را با اولین ساعتش از آن ماه و سه‌شنبه را از آن بهرام و چهارشنبه را از آن تیر و پنج‌شنبه را برجیس و آدینه را ناهید مطلق جدول زیر می‌شمرند.

جمعه و یک‌شنبه؛ یا هفته‌داری در ایران

۶

هفته تفرشی و ستاره‌نامی ساعت‌ها و روزهایش

ساعت	یک‌شنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنج‌شنبه	آدینه	شنبه
۱	مهر	ماه	بهرام	تیر	برجیس	ناهید	کیوان
۲	ناهید (زهره)	کیوان	مهر	ماه	بهرام	تیر	برجیس
۳	تیر (عطارد)	برجیس	ناهید	کیوان	مهر	ماه	بهرام
۴	ماه	بهرام	تیر	برجیس	ناهید	کیوان	مهر
۵	کیوان (زحل)	مهر	ماه	بهرام	تیر	برجیس	ناهید
۶	برجیس (مشتری)	ناهید	کیوان	مهر	ماه	بهرام	تیر
۷	بهرام (مریخ)	تیر	برجیس	ناهید	کیوان	مهر	ماه
۸	مهر	ماه	بهرام	تیر	برجیس	ناهید	کیوان
.							
.							
.							
۲۴	تیر (عطارد)	برجیس	ناهید	کیوان	مهر	ماه	بهرام

خواص هر روز را از روی خاصیت رب‌النوع آن ستاره مشخص می‌کنند، مثلاً ازدواج در روز آدینه نیکو است، چون روز آن‌هایتا عشق می‌باشد.

جمعه و یک‌شنبه؛ یا هفته‌داری در ایران

۷

بنابر آن چه گذشت، باید گفته شادروان دکتر محمد معین را مبالغه‌آمیز شمرد. ایشان مدعی است که هفته در ایران ساسانی شناخته نبوده است و پس از اسلام به ایران راه یافته است؛ زیرا که استدلال ایشان به این که واژه شنبه و شنبه از ریشه Sabbath آرامی (سریانی و عبری) و Shabbatu اکدی گرفته شده است^۱. تنها سامی بودن این نام‌گذاری بسیار ساده را نشان می‌دهد، نه عادت تقسیم‌بندی هفت روز هفته و بیست و چهار ساعت شبانه‌روز بر سازمان پیچیده هفت سیاره با آن روش دقیق و علمی که در هند و ایران متداول بوده است.

آری در ایران پیش از اسلام هم هفته‌داری و هم سی‌روز شماری ماه تنها برای انجام دادن مراسم مذهبی بوده است؛ زیرا که هفته طبیعتاً نمی‌تواند تاریخ‌نگار باشد.

چنان که می‌بینیم امروزه اروپاییان نیز نام روزهای هفته را با همان شکل هندی به کار می‌برند و حتی بنا بر گفته بیرونی در ماللهند و التفهیم: هندیان ساعت را «هور» گویند و ما می‌دانیم که این کلمه امروز به صورت‌های گوناگون در اروپا به همین معنی متداول است^۲.

تعطیل هفتگی

تعطیل یک روز در هفته برای رفع خستگی از کار منظم هفتگی از وقتی شناخته شد که بشر شهرنشین شد و کار برای او به صورتی یک وظیفه در آمد.

یهود که پیش از پسر عموهای عربشان پا به دایره تمدن نهاده و با اقتصاد شهری سر و کار یافته بودند، تعطیل هفتگی را زودتر پذیرفته بودند.

^۱ روز شماری در ایران باستان، چ در مجموعه ایرانشناسی، سال ۱۳۲۵ خ، برگه ۴ - ۳.

^۲ ماللهند، برگه ۱۷۲؛ و التفهیم بیرونی، فارسی، برگه ۲۳۴.

جمعه و یک‌شنبه؛ یا هفته‌داری در ایران

۸

و چون اقوام سامی همه قوانین را الهی می‌شمردند^۱، ناچار تعطیل هفته را نیز به صورت قانون الهی در آوردند. ایشان در سده سوم پیش از میلاد افسانه خلقت جهان در شش روز و استراحت خالق در روز هفتم را پرداخته و آن را در سفر تکوین (۳۰۲) گنجائیده در پیشاپیش چهار سفر دیگر در تورات که خیلی کهن‌تر از سفر تکوین هستند قرار دادند. در این سفر، روزها (یک تا هفت) هفته با عدد نامیده شده و تنها روز هفتم «شبت» خوانده شده است، پس «جمعه» نزد عبرانیان و سریانیان «ششم = شدیش = سادس» نامیده می‌شده است. واژه «جمعه» از مستحدثات تازیان است. آری برخی از سریانیان هم مرز ایران جمعه را «آروبا» می‌خوانده‌اند و دور نیست که آن را از کردها گرفته و به معنی رب‌النوع عشق ستاره ناهید باشد. به هر حال از آن وقت تاکنون یهود روز شنبه را برای استراحت از کار هفته تعطیل می‌کنند و با جنبه مذهبی که بدان داده‌اند، سخت بدان پایند هستند.

تعطیل یک‌شنبه هیچ ارتباطی با مسیحیان ندارد

مسیحیان تا سده چهارم میلادی، مانند یهود روز شنبه را تعطیل می‌داشتند و تنها از این تاریخ که ایشان به پیروی از رومیان باستان و هندیان روز یک‌شنبه را برای تعطیل برگزیدند. عبدالجبار معتزلی (د: ۴۱۵ ق / ۱۰۲۴ م) یکی از متکلمان عالی مقام و پُرکار سده ۴ هـ / ۱۰ م در کتاب گران‌قدرش تثبیت دلائل النبوة می‌گوید: مدت‌ها پس از قسطنطین امپراتور روم (د: ۳۲۴ م)، یکی از امپراتوران روم انجمن کشیش‌ها (سنهودمی) را تشکیل داد و این مجلس مقرر داشت که روز یک‌شنبه عید هفتگی نصارا در برابر روز شنبه که عید یهود است، شناخته گردد و روز عید تولد زمان که روز تحویل خورشید به برج کانون است و از روزگار باستان مردم یونان و روم آن را عید تولد مهر می‌گرفتند عید سال مسیحیان و روز تولد مسیح شناخته شود؛ بنابراین، مسیحیان در چهار قرن آغاز کارشان با روز یک‌شنبه کاری نداشته‌اند و عید هفتگی یک‌شنبه را مانند عید سالانه کریسمس از میتراثیست‌های رومی گرفته‌اند. «شب یلدا» ایرانی شب تولد افسانه‌ای مهر است، نه تولد شخصیت افسانه‌ای و موهوم مسیح.

^۱ مجله کاوه، مونیخ، شماره ردیف ۶۱، سال سیزدهم، شماره پنج، آذرماه ۱۳۵۴، ذی‌قعدة ۱۳۹۶، نوامبر ۱۹۷۶ م، برگه ۸-۱۳، مقاله مرجیان که بودند؟ و چه گفتند؟، علینقی منزوی.

تعطیل جمعه نیز هیچ ربطی به اسلام ندارد

شک نیست که روز جمعه نزد ما مسلمانان شیعه و سُنی روزی مقدس و گرامی است، روز دعا و عبادت است. بسیاری از اعمال مذهبی مخصوص برای این روز برقرار شده است. پیش از اسلام نیز روز آدینه، ناهید خدای عشق و جشن و شادمانی و ازدواج بوده و مراسمی مذهبی داشته است، ولی این اعمال عبادتی نه تنها منافاتی با کار روزانه نداشته؛ بلکه طبق نص صریح قرآن نباید با آن منافات داشته باشد. آیه ۹ و ۱۰ سوره جمعه چنین است:

... إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ... فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ ... یعنی هرگاه صدای اذان جمعه بلند شد کارها را قطع کنید و به نماز آیید و چون نماز پایان یافت به سرکار و کاسبی برگردید.

و به اتفاق همه مفسران نه تنها مانعی برای کار کردن پیش و پس از نماز نیست؛ بلکه دستور است که پس از پایان نماز به سرکار برگردند. این گونه برداشت از تفسیر این آیه در تمام چهارده قرن تاریخ تا پیش از تماس شرق با اروپا رواج می‌داشت و تعطیل یک روز در هفته، هر چند تقلیدی نیکو از تمدن اروپا بود؛ لیکن روز آن به جمعه نوعی غُدی و لجبازی به کار رفت و چون به غلط تعطیل یکشنبه را نشان مسیحیت می‌پنداشتند، خواستند با تعیین روز جمعه نوعی اظهار استقلال کرده باشد.

تازه این نوع تحلیل مسأله که یاد کردم از نظر سُنیان و برخی شیعیان سُنی مآب است و گرنه از نظر مذهب شیعه یک هزار و یکصد سال است که اجرای نماز جمعه متوقف است و چنان که در بخش بعد مقاله خواهیم دید، برخی از علمای روحانی آن را حرام و برخی مباح می‌دانند و کسی جز سُنی‌مآبان چند ساله اخیر به وجوب آن قائل نشده است.

آری پس از بلندشدن آوای جنجال اتحاد اسلام که از طرف سیدجمال ایرانی افغانی شده که درد اتحاد اسلام او را واداشته بود اسد اسدآباد خود را اسعدآباد کابل سازد، عده‌ای سُنی‌زده از او طرفداری کرده نماز جمعه را پس از یازده قرن ترک کردن از نوزنده نمود و علم کرد. خصوصاً شیعیان کشورهای عربی که خود را بیشتر نیازمند سُنی‌نمایی و عرب‌زدگی می‌بینند و برای آن که به قول خودشان آلودگی تشیع را به اندیشه‌های منحرف! هندوایرانی و عرفان و گنوسیزم نفی نمایند و تمسک خشک سُنی‌مآبانه خود را به کتاب و سُنت اثبات کنند، ایشان نماز جمعه را به وسیله برخی رادیوها، مانند بیروت نیز پخش می‌کنند، ولی باید متوجه بود که مرکز تشیع شهر بیروت نیست. مرکز روحانیت جهان تشیع نجف و قم و مشهد است و در این سه مرکز،

جمعه و یک‌شنبه؛ یا هفته‌داری در ایران

۱۰

مانند یازده قرن گذشته نماز جمعه هنوز هم برگزار نمی‌شود؛ زیرا که مراجع بزرگ شیعه شرط نماز جمعه را وجود حکومت گنوستیک می‌دانند و به اصطلاح فقهی می‌گویند: اجرای چهار حکم سیاسی از احکام اسلامی، متوقف بر حضور امام زمان است و آن چهار حکم سیاسی عبارتند از:

۱- نمازهای جمعه و عیدین^۱.

۲- قضا و شهادت.

۳- اجرای حدود و قصاص.

۴- جهاد و جنگ.

این یکی از موارد اختلاف اساسی مذهب شیعه باستانی است. در مذهبی سنی این چهار حکم سیاسی فرقی با احکام غیر سیاسی نداشت و تا روز الغای خلافت عثمانی در استانبول به سال ۱۹۲۱ اجرا می‌گردید؛ یا دستکم چنین ادعا می‌شد که اجرا می‌گردد، اما در مذهب شیعه از سال ۲۶۰ هجری که سال مرگ امام یازدهم است، به علت غیبت امام زمان اجرای مذهبی بخش حق الله احکام سیاسی چهارگانه یاد شده متوقف گردید و اجرای بخش حق الناس آن‌ها به رأی ریش‌سفیدان مردم واگذار شده که آن را دولت‌های غیر مذهبی اجرا می‌کرده و از عصر مشروطیت اجرای آن با تصویب مجلس شورای ملی بر عهده دولت قانونی، واگذار شده است.

برای مثال هرگاه دزدی رخ می‌داد، قسمت حق الناس این حادثه که پس گرفتن مال دزدی شده است به وسیله ریش‌سفیدان و دولت غیر مذهبی انجام می‌گرفت و قسمت حق الله آن که اجرای حد سرقت با بریدن دست دزد است و به سبب نبودن امام زمان متوقف‌الاجرا می‌ماند.

آری متوقف‌الاجرا بودن احکام چهارگانه سیاسی نام برده مورد اتفاق نظر تمام علمای شیعه است. از شیخ طوسی (د: ۴۶۰ق) در کتاب النهایة، التهذیب و الاستبصار گرفته تا علما امروز همگی آن‌ها را متوقف‌الاجرا می‌دانند؛ البته برخی افسانه‌ها

^۱ متن مقاله: عید. منظور دو عید قربان و فطر است.

جمعه و یک‌شنبه؛ یا هفته‌داری در ایران

۱۱

در تاریخ دیده می‌شود که فلان آخوند، خودسرانه، حد؛ یا قصاص مخصوصی را مخفیانه، مثلاً در زیر زمین خانه‌اش در اصفهان در عهد شاه شهید اجرا کرده است، ولی این افسانه‌ها نمی‌تواند پایه حکم شرعی برای مذهب شیعه شود.

احکام یاد شده و متوقف‌الاجرا بودن آن‌ها تا ظهور امام زمان در تمام کتب فقه در باب نماز جمعه و باب جهاد و باب قضا و حدود آمده و به روشنی ثبت شده است.

خلاصه آن که حتی برای کشور ترکیه که به جز شش میلیون کرد شیعه علوی آن، باقی مردم سُنی هستند، نماز جمعه خواندن دلیل تعطیل روز جمعه نیست تا چه رسد به ملت شیعی ایران که یازده قرن است نماز جمعه را ترک کرده و بیشتر دعا و اعمال جمعه را نیز متعلق به شب جمعه می‌داند نه روز آن.

حال که معلوم شد که جنبه مذهبی روز جمعه مستلزم تعطیلی آن نبوده و نیست، اینک این پرسش به میان می‌آید که آیا ما مسلمانان نیازی به تعطیل یک روز در هفته داریم یا نه؟

پاسخ این پرسش به ظاهر چنین باشد که در روزگار آمدن قرآن هنوز جامعه کوچک و ده‌نشین مسلمانان به مرحله اقتصاد شهری نرسیده بوده و نیازی به تعطیل هفتگی احساس نمی‌کرده است و لذا تعطیل شنبه یهود را نیز نسخ کرده است، اما این بدان معنی نیست که تا ابد مسلمانان نباید تعطیل هفتگی داشته باشند؛ بلکه بدان معنی است که تعیین روز تعطیل، هرگاه لازم آید با خود مسلمانان خواهد بود و این مانند صدها حکم دیگر است که موضوع آن‌ها در قرن‌ها بعد پدیدار شده و تعیین حکم آن‌ها طبعاً با نظر خود مسلمانان انجام گرفته است، از قبیل حکم استفاده از مخترعات بعد از اسلام و قراردادهای جدید، مانند بیمه که حکم آن‌ها به وسیله کلیاتی هم‌چون اوفوا بالعهد المؤمنون عند شروطهم تعیین شده است^۱؛ بنابراین، تعیین روز تعطیل هفته وقتی لازم تشخیص داده شود به خود مردم واگذار شده است و حکمی مخصوص ندارد و بر نمایندگان ملت است که روزی را که با منافع اقتصادی ملت ما جور باشد، برای تعطیل هفتگی تعیین نمایند.

دکتر علی نقی نیشزوی

^۱ قرآن، سوره بقره، شماره ۲، آیت ۱۷۷: وَ الْمَوْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا / و آنانی که اگر عهدهی کنند، وفادار به آن خواهند بود.

جمعه و یک‌شنبه؛ یا هفته‌داری در ایران

پیدا است که چهار روز تعطیل برای کشوری که تازه اقتصادش به حال شکوفان در آمده است، خسارتی جبران‌ناپذیر است، پس یا باید دنیا تابع ما گردد؛ و یا ما پیرو جهان گردیم. من گمان نمی‌کنم عاقلی که سروکاری با اقتصاد داشته باشد، جز این راهی بیندیشد.

کتابنامه

نمایه کتاب و مقاله

- الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، شیخ الطائفة، ابوجعفر محمد فرزند حسن طوسی (د: ۴۶۰ ق / ۱۰۶۸ م)، تحقیق و تصحیح حسن موسوی خراسان، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰ ق.
- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بحار الأنوار، ملامحمدباقر مجلسی (۱۰۳۷ - ۱۱۱۱ ق) فرزند ملامحمدتقی، تصحیح محمدباقر بهبودی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۶ ق.
- بحار الأنوار، ملامحمدباقر مجلسی (د: ۱۱۱۰ ق / ۱۶۹۸)، چ. امین‌الضرب، ج ۱۴، ۱۰۶؛ و چ. نوین اسلامیه.
- بیان الأدیان، ابوالمعالی محمد فرزند نعمت فرزند عبیدالله (تألیف: ۴۸۵ ق / ۱۰۹۲ م)، به کوشش عباس اقبال، تهران، ۱۳۱۲ خ، برگه ۲۱؛ و
- تثبیت دلائل النبوة، عبدالجبار معتزلی (د: ۴۱۵ ق / ۱۰۲۴ م)
- تثبیت دلائل النبوة، قاضی عبدالجبار فرزند أحمد فرزند عبدالجبار همدانی اسدآبادی، ابوالحسین المعتزلی (۳۲۴ - ۴۱۵ ق / ۹۳۶ - ۱۰۲۴ م)، دارالمصطفی، قاهره، مصر، ۱۴۲۷ ق.
- التفهیم (التفهیم لأوائل صناعة التنجیم)، ابوریحان بیرونی محمد فرزند احمد (۳۶۳ - ۴۴۰ ق)، تصحیح جلال‌الدین همایی، انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۵۱ خ.
- تقویم المحسنین فی معرفة الساعات و الشهور و السنین، محسن فرزند شاه مرتضی فیض کاشانی (د: ۱۰۹۱ ق / ۱۶۸۰ م)، نسخه خطی، شماره بازیابی: ۳۸۲/۲ ک، شماره مدرک کتابخانه مجلس: RI 10-17636؛ تحقیق علی شریعتی، دارالکتب الاسلامی، تهران، ۵۹۳۱ خ.
- تورات، موسی (ص)، پیامبر یهود.

تَهذِيبُ الْأَحْكَامِ، شيخ الطائفة، ابو جعفر محمد فرزند حسن طوسی (د: ۴۶۰ ق / ۱۰۶۸ م)، تصحيح احمد شیرازی و باقر قوچانی، تهران، ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ خ؛ تصحيح حسن موسوی خراسان، نجف، ۱۳۷۸ - ۱۳۸۲ ق؛ تصحيح محمد جعفر شمس‌الدين، بيروت؛ تصحيح علي اكبر غفاري، اسلاميه، تهران.

جمعه و یکشنبه؛ یا هفته‌داری در ایران، دکتر علی نقی منزوی، مجله کاوه، مونیخ، شماره ردیف ۶۳، سال چهاردهم، فروردین ۲۵۳۵، ربیع یکم ۱۳۹۶، مارس ۱۹۷۶ م، برگه ۱۰-۱۶. خرده اوستا، به کوشش رشید شهردان؛ به کوشش ابراهیم پورداود.

دیوان مسعود سعد سلمان (د: ۵۱۵ ق / ۱۱۲۱ م)، تصحيح رشید یاسمی، تهران ۱۳۱۸ خ. الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الثامن، دائرة - دیو، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علی نقی منزوی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۹ خ / ۱۳۶۹ ق / ۱۹۵۰ م.

الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الرابع، التخاطب - التیمیة، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علی نقی منزوی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۰ خ / ۱۳۶۰ ق / ۱۹۴۱ م.

الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء السابع، حساب - خیمه شب‌بازی، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علی نقی منزوی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۷ خ / ۱۳۶۷ ق / ۱۹۴۸ م.

رسالة نوروز و سی روز، محسن فرزند شاه مرتضی فیض کاشانی (د: ۱۰۹۱ ق / ۱۶۸۰ م).

روز شماری در ایران باستان، چ در مجموعه ایرانشناسی، سال ۱۳۲۵ خ.

علل الشرائع، شیخ صدوق، ابن بابویه (د: ۳۸۱ ق / ۹۹۱ م)، تصحيح محمدصادق بحرالعلوم، مكتبة الحيدرية، نجف، ۱۳۸۵ ق.

فهرست کتاب‌های رازی و نام‌های کتاب‌های بیرونی، ابوریحان بیرونی محمد فرزند احمد (۳۶۳ - ۴۴۰ ق)، تصحيح و ترجمه و تعليق از مهدی محقق، تهران، ۱۳۶۶ خ.

في تحقيق ماللهند من مقولة مقبولة في العقل او مزدولة ماللهند، تحقيق ماللهند، ابوریحان بیرونی، محمد فرزند احمد (۳۶۳ - ۴۴۰ ق)، چ هند، ۱۹۵۸؛ برگردان منوچهر صدوقی سها، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۹۱.

جمعه و یکشنبه؛ یا هفته‌داری در ایران

۱۵

- قرآن، پیامبر اسلام، حضرت محمد (ص).
- مجله پیمان، سال یکم، شماره ۱۰ - ۱۱، فروردین ۱۳۱۳، تجدید چاپ ذکای ۱۳۵۲ خ، کاروند کسروی، برگه ۴۶۰.
- مجله کاوه، مونیخ، شماره ردیف ۵۵ و ۵۶، بهار و تابستان ۱۳۵۴، ۱۹۷۵، ۱۳۹۵ ق، برگه ۲ - ۳، اندیشه‌های آینده، محمد عاصمی.
- مجله کاوه، مونیخ، شماره ردیف ۶۱، سال سیزدهم، شماره پنج، آذرماه ۱۳۵۴، ذی‌قعدة ۱۳۹۶، نوامبر ۱۹۷۶ م، برگه ۸ - ۱۳، مقاله مرجیان که بودند؟ و چه گفتند؟، علی نقی منزوی.
- مجله کاوه، مونیخ، شماره ردیف ۶۳، سال چهاردهم، فروردین ۲۵۳۵، ربیع یکم ۱۳۹۶، مارس ۱۹۷۶ م، برگه ۱۰ - ۱۶، جمعه و یکشنبه؛ یا هفته‌داری در ایران، دکتر علی نقی منزوی.
- المِلل و النحل، محمد فرزند عبدالکریم شهرستانی (۴۷۹ - ۵۴۸ ق)، چاپ مصر، ۱۹۴۵ م؛ چاپ دیگر: دارالمعرفة للطباعة و النشر، بیروت، لبنان، ۱۹۷۲ م؛ دیگری پژوهش گیلانی؛ ملل و نحل، شهرستانی (د: ۵۴۸ ق / ۱۱۵۳ م)، ترجمه صدر ترکه اصفهانی.
- نورمگز، noormags مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- النهیة فی مجرد الفقه و الفتاوی، شیخ الطائفة طوسی (د: ۴۶۰ ق)، بیروت، دارالکتب العربیة، ۱۳۹۰ ق.

دکتر علی نقی منزوی